

256227 - ادله مشروعیت قربانی و آیا این ادله نشان‌گر وجوب است یا استحباب؟

سوال

در فتوایی در سایت شما این را خواندم که قربانی سنت و مستحب است، اما دلیلی در خود سایت نیافتم که این رای را تقویت کند. آیا امکان دارد دلایلی مبنی بر این که قربانی مستحب است نه واجب ارائه کنید؟ حدیث «کسی که توانایی داشت و قربانی نکرد نزدیک مصلاي ما نشود» چه خواهد شد؟ (ابن ماجه: ۳۱۲۳).

خلاصه‌ی پاسخ

خلاصه آن که: در میان اهل علم درباره این مسئله آرای گوناگونی موجود است و مستحب دانستن قربانی، قولی است که ما ترجیح داده‌ایم و درست‌تر دانسته‌ایم. اما کسی که توانایی مالی دارد و می‌خواهد جانب وَرَع و احتیاط را رعایت کند و قربانی را ترک نمی‌کند این برای او به احتیاط نزدیک‌تر است، چنان‌که از شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . نقل کردیم. برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب «أحكام الأضحية والذكاة» شیخ ابن عثیمین و کتاب «المفصل في أحكام الأضحية» حسام الدین عفانه که این مسائل را به شکلی آسان بیان کرده است مراجعه کنید. والله اعلم.

پاسخ مفصل

اولاً:

در این باره میان علما . رحمه الله . اختلاف مشهوری است، هرچند بیشتر علما قائل به استحباب و عدم وجوب قربانی‌اند.

اما حنفی‌ها و امام احمد در روایتی که شیخ الاسلام ابن تیمیه آن را برگزیده قائل به وجوب قربانی بر شخص توان‌گردد.

ابن قدامه . رحمه الله . می‌گوید:

بیشتر علما قربانی را سنتی مؤکد و غیر واجب می‌دانند.

این [رای] از ابوبکر و عمر و بلال و ابو مسعود بدری . رضی الله عنهم . و سَؤید بن عَقْلَه و سعید بن مُسَبِّب و عَلَقَمَه و اَسْوَد و عطاء و شافعی و اسحاق و ابو ثور و ابن المُنْذِر نقل شده است. اما ربیعَه و مالک و ثوری و أوزاعی و

لَیْث و ابوحنیفه آن را واجب دانسته‌اند، به دلیل روایت ابوهریره . رضی الله عنه . که پیامبر . صلی الله علیه وسلم فرمود: **«هرکس توانایی داشت و قربانی نکرد، به مصلاهی ما نزدیک نشود»** و از مخنف بن سلیم روایت است که پیامبر . صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«ای مردم بر اهل هر خانه در هر سال یک قربانی و یک عتیره لازم است»**. (عتیره قربانی‌ای بود که در جاهلیت در ماه رجب انجام می‌دادند و بنا بر قول راجح در آغاز اسلام به آن عمل می‌شد و سپس منسوخ گردید).

اما دلیل ما روایتی است که دارقطنی از ابن عباس از پیامبر . صلی الله علیه وسلم نقل نموده که فرمود: **«سه چیز بر من فرض شده و برای شما مستحب است»** و در روایتی دیگر: **«وتر و قربانی و دو رکعت فجر»**.

همچنین به دلیل آن که پیامبر . صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«هرکس قصد قربانی داشت و روزهای دهه [نخست ذی الحجه] فرا رسید پس از مو و پوستش چیزی بر ندارد»** به روایت مسلم. ایشان قربانی را به اراده شخص موکول کرده حال آن که واجب به خواست شخص سپرده نمی‌شود» (المغنی: ۹۵ / ۱۱).

ثانیا:

هر گروه از علما به ادله‌ای استناد کرده‌اند که هر یک در سند یا در استدلال به آن خالی از اشکال نیست و این جا به مهم‌ترین احادیث در این زمینه اشاره می‌کنیم:

اما حدیث نخست که قائلان به وجوب به آن استناد می‌کنند:

حدیث ابوهریره از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . که فرمود: **«هرکس توانایی داشت و قربانی نکرد به مصلاهی ما نزدیک نشود»** به روایت ابن ماجه (۳۱۲۳).

همه امامان حدیث این حدیث را مرفوع و سخن پیامبر . صلی الله علیه وسلم . نمی‌دانند و برخی بر این حکم کرده‌اند که این سخن خود ابوهریره است نه پیامبر صلی الله علیه وسلم.

بیهقی در سنن خود (۲۲۶۰ / ۹) می‌گوید: **«به من از ابوعیسی ترمذی نقل شده که وی می‌گوید: صحیح آن است که این روایت موقوف و سخن ابوهریره است. می‌گوید: این روایت را جعفر بن ربیع و دیگران از عبدالرحمن الأعرج از ابوهریره به شکل موقوف نقل کرده‌اند»**.

حافظ ابن حجر می‌گوید: **«ابن ماجه و احمد . که رجال وی همه ثقه‌اند . آن را روایت کرده‌اند اما در این باره اختلاف است که این روایت مرفوع است یا موقوف؟ و درست‌تر آن است که موقوف است. این را طحاوی و دیگران گفته‌اند و با این حال به صراحت دال بر وجوب نیست»** (فتح الباری: ۹۸ / ۱۲).

ابن عبدالبر و عبدالحق در «**أحكام الوسطى**» (۱۲۷/۴) و منذری در «**الترغیب والترهیب**» و ابن عبدالهادی در «**التنقیح**» (۴۹۸/۲) موقوف بودن این روایت را درست تر دانسته اند. نگا: «**حاشیة محققى سنن ابن ماجه**» (۴/۳۰۳).

حدیث دوم: حدیث ابورمله از مخنف بن سلیم که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نقل کرده است: «**ای مردم، بر هر خانه ای در هر سال یک قربانی و یک عتیره لازم است**» به روایت ابوداوود (۲۷۸۸) و ترمذی (۱۵۹۶) و ابن ماجه (۳۱۲۵).

عتیره: قربانی ای بود که در رجب انجام می دادند که به آن «**رجبیه**» هم می گفتند.

این حدیث را گروهی از علما به سبب جهالت و ناشناس بودن ابورمله - که نامش عامر است - ضعیف دانسته اند.

خطابی می گوید: «**این حدیث ضعیف است و ابورمله مجروح است**» (معالم السنن: ۲/۲۲۶).

زیلعی می گوید: «**عبدالحق می گوید: سندش ضعیف است. ابن قطان می گوید: مشکل آن نامشخص بودن حال ابورمله است که نامش عامر است. او را جز با همین روایت که از ابن عون نقل کرده نمی شناسند**» (نصب الرایة: ۲۱۱/۴).

اما کسانی که قائل به استحباب اند به تعدادی حدیث مرفوع استناد کرده اند که مهم ترینش دو حدیثی است که ابن قدامه - رحمه الله - ذکر کرده است.

حدیث نخست: حدیث ابن عباس است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «**سه چیز است که بر من فرض بود و برای شما مستحب است: وتر و قربانی و نماز ضحی**» به روایت احمد (۲۰۵۰) و بیهقی (۴۶۷/۲).

این حدیث را گروهی از امامان متقدم و متاخر ضعیف دانسته اند. ابن حجر - رحمه الله - می گوید:

«**مدار آن بر ابو جناب گلبی از عکرمه است که ابو جناب ضعیف است و همچنین اهل تدلیس است حال آن که این با صیغه عن (از) روایت کرده [و صیغه عن از مدلس پذیرفته نمی شود] و امامانی همچون احمد و بیهقی و ابن صلاح و ابن جوزی و نووی و دیگران این حدیث را ضعیف خوانده اند**» (التلخیص الحبیر: ۴۵/۲) و همچنین نگا: (۲۵۸/۲).

حدیث دوم: حدیث ام سلمه است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «**هرگاه دهه [نخست ذی الحجه] وارد شد و کسی از شما خواست قربانی کند، پس چیزی از مو یا پوست خود بردارد**» به روایت مسلم (۱۹۷۷).

امام شافعی . رحمه الله . می گوید: «این دلیلی است بر این که قربانی واجب نیست زیرا پیامبر . صلی الله علیه وسلم . می فرماید: **«خواست»** و این امر را به خواست خود وی موکول نموده است، حال آن که اگر واجب بود می گفت: چیزی از موی خود بر ندارد تا آن که قربانی کند» (المجموع: ۳۸۶ / ۸).

اما این استدلال خالی از مناقشه نیست؛ زیرا موکول کردن به اراده، دلیل عدم وجوب نیست.

شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . می گوید:

«نزد من تفویض به اراده، اگر [وجوب] دلیل داشته باشد، منافی وجوب نیست زیرا پیامبر . صلی الله علیه وسلم . درباره موافقت [احرام] می فرماید: **«این ها برای شما و برای کسانی از غیر اهل آن است که بخواهند حج و عمره را ادا کنند»** اما این مانع وجوب حج و عمره بنا بر دلایل دیگر نیست... قربانی بر شخصی که توانایی مالی ندارد واجب نیست پس او خواهان قربانی نیست، در نتیجه درست است که مردم را به اعتبار توانایی و ناتوانی به خواهان و غیر خواهان تقسیم کنیم» (أحكام الأضحية والذكاة: ۴۷).

حاصل آن که: احادیث دال بر وجوب قربانی خالی از اشکال و سخن نیست اگرچه برخی از علما تعدادی از این احادیث را حسن دانسته اند.

همین طور احادیثی که دال بر استحباب قربانی است خالی از اشکال نیست بلکه از جهت سند ضعیف تر است.

بر همین اساس، شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . در پایان رساله ای مفصل در همین باره به نام **«أحكام الأضحية والذكاة»** می گوید:

«این آرا و ادله علما را برای بیان منزلت و اهمیت قربانی در دین بیان کردیم و ادله [دو گروه] تقریباً در یک سطح از قدرت است و احتیاط این است که در صورت توانایی این کار را ترک نکنند زیرا چنین کاری شامل بزرگداشت الله و یاد اوست و همین طور به یقین، تکلیف از دوش او برداشته شده است.»

ثالثاً:

آن چه قول به واجب نبودن قربانی را قوی می کند دو مسئله است:

نخست: براءت اصلی (اصل بر عدم وجوب است تا آن که دلیلی برایش ثابت شود) پس تا هنگامی که دلیلی بدون معارض بر وجوب نیست اصل بر عدم وجوب است.

شیخ ابن باز . رحمه الله . می گوید: **«حکم قربانی این است که با وجود توانایی سنت است و واجب نیست؛ زیرا پیامبر . صلی الله علیه وسلم . دو قوچ املح را قربانی می کردند و صحابه نیز در دوران زندگی ایشان .**

صلی الله علیه وسلم. و پس از وفاتشان قربانی کردند و همین طور دیگر مسلمانان پس از آنان قربانی کرده اند و در ادله شرعی چیزی دال بر وجوب آن وارد نشده و قول به وجوب، ضعیف است» (مجموع فتاوی ابن باز: ۳۶/۱۸).

دوم: آثار صحیح وارد شده از صحابه.

زیرا از ابوبکر و عمر و دیگران وارد شده که از روی بد دانستن این که مردم گمان کنند قربانی واجب است، [گاه] قربانی نمی کردند.

بیهقی در «**معرفة السنن والآثار**» (۱۶/۱۴: ۱۸۸۹۳) از ابو سَریحه روایت کرده که گفت: «**ابوبکر و عمر را که همسایه من بودند درک نمودم و آنان قربانی نمی کردند**».

بیهقی پس از آن می گوید: «در کتاب سنن از حدیث سفیان بن سعید ثوری از پدرش و از مُطَرِّف و اسماعیل از شَعبی روایت کردیم که در بخشی از حدیثشان آمده: از ترس آن که به آنها اقتدا شود» (یعنی در صورت همیشه قربانی کردن مردم گمان کنند که واجب است). نگا: «السنن الکبری: ۹/۴۴۴».

امام نووی در «**المجموع**» (۸/۳۸۳) می گوید: «اما اثر مذکور از ابوبکر و عمر را بیهقی و دیگران با سندی حسن روایت کرده اند».

هیثمی می گوید: «طبرانی این روایت را در [معجم] کبیر آورده که رجال آن رجال صحیح اند» (مجمع الزوائد: ۱۸/۴) و شیخ آلبنی در «**إرواء الغلیل**» (۴/۳۵۴) صحیح اش دانسته است.

بیهقی (۹/۴۴۵) با سند خود از ابومسعود انصاری روایت کرده که گفت: «من در حالی که توانایی دارم [گاه] قربانی را انجام نمی دهم، از ترس آن که همسایگانم فکر کنند بر من واجب است» آلبنی در «**إرواء الغلیل**» آن را صحیح دانسته است.